



Continuation of the plurality of political forces and factors affecting it in Iran after the Islamic Revolution

Abouzar Rafiei Ghahsareh¹ | kolsom Amini²

Abstract

There are different ideas about democracy. One of the relatively new views that have been raised in this regard is the view of democratic pluralism. According to this view, the basis of democracy is the plurality of active groups in politics and their competition in the form of elections to gain power. In general, pluralist democracy is based on three principles: multiplicity of sources of power and groups, competitive electoral system and lack of desirability of broad political participation.

The current research tries to look at the political situation of Iran in the years after the Islamic revolution based on the theory of democratic pluralism. In Iran, after the revolution, for various reasons, political parties have not had an effective presence in politics, and instead of them, political factions have been active in the political arena. The question of the current research is, "What were the reasons for the continued multiplicity of active political forces in Iran's political arena after the revolution, and what effect did this multiplicity have on political development in Iran?" The hypothesis is that in the years after the revolution, despite the desire of each of the factions to eliminate the rival faction from the political arena, the plurality of political factions has continued and this continuity is rooted in the social base of different factions. Descriptive-analytical method has been used to test the hypothesis. The findings show that the continuation of the plurality of political factions in the years after the Islamic Revolution and their competition has prevented the complete unification of power and the destruction of democracy.

Keywords: Islamic revolution, pluralistic democracy, political faction, political development, political competition.

1. Corresponding Author: Assistant professor, Department of political science, yasouj University, yasouj, iran. rafiei_aboozar@yahoo.com
2. Department of political science yasouj University, yasouj, iran.

Cite this Paper: Rafiei Ghahsareh, A & Amini, K. (2024). Continuation of the plurality of political forces and factors affecting it in Iran after the Islamic Revolution. *State Studies of Contemporary Iran*, 4(9), 39–70.

Publisher: Imam Hussein University

Authors



This article is licensed under a [Creative Commons Attribution 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/) (CC BY 4.0) .



چکیده

نظریات متفاوتی در خصوص دموکراسی وجود دارد. یکی از دیدگاه‌های نسبتاً جدیدی که در این رابطه مطرح شده دیدگاه کثرت‌گرایی دموکراتیک است. مطابق این دیدگاه اساس دموکراسی، تعدد گروه‌های فعال در سیاست و رقابتشان در قالب انتخابات برای کسب قدرت است. به‌طور کلی دموکراسی کثرت‌گرا بر سه اصل استوار است: تعدد منابع قدرت و گروه‌ها، نظام انتخاباتی رقابتی و عدم مطلوبیت مشارکت سیاسی گسترده.

پژوهش حاضر می‌کوشد بر مبنای نظریه کثرت‌گرایی دموکراتیک نگاهی به وضعیت سیاسی ایران در سال‌های پس از انقلاب اسلامی بیندازد. در ایران پس از انقلاب به دلایل مختلف احزاب سیاسی حضور مؤثری در سیاست نداشته‌اند و به‌جای آن‌ها، جناح‌های سیاسی در عرصه سیاسی فعال بوده‌اند. سؤال پژوهش حاضر این است که «علل تداوم کثرت نیروهای سیاسی فعال در عرصه سیاسی ایران پس از انقلاب چه بوده و این کثرت چه تأثیری بر توسعه سیاسی در ایران داشته است؟» فرضیه پژوهش هم این است که در سال‌های پس از انقلاب علی‌رغم تمایلی که هر یک از جناح‌ها برای حذف جناح رقیب از عرصه سیاسی داشته‌اند، تکثر جناح‌های سیاسی تداوم داشته و این تداوم ریشه در پایگاه اجتماعی جناح‌های مختلف داشته است. برای آزمون فرضیه از روش توصیفی - تحلیلی و برای گردآوری داده‌ها از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تداوم تکثر جناح‌های سیاسی در سال‌های پس از انقلاب اسلامی و رقابت آن‌ها مانع از یکدست شدن کامل قدرت و از بین رفتن دموکراسی شده است.

کلیدواژه‌ها: انقلاب اسلامی، دموکراسی کثرت‌گرا، جناح سیاسی، توسعه سیاسی، رقابت سیاسی.

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۲۷

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۰/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۱۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۲/۲۹

صص: ۳۹-۷۰

شابا چاپی: ۲۷۸۳-۱۹۱۴

الکترونیکی: ۲۷۸۳-۱۴۵۰



rafiei_aboozar@yahoo.com

۱. نویسنده مسئول: استادیار، گروه علوم سیاسی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران.

۲. کارشناسی ارشد، گروه علوم سیاسی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران.

استناد: رفیعی قهساره، ابوذر و امینی، کلثوم (۱۴۰۲)، تداوم کثرت نیروهای سیاسی و عوامل مؤثر بر آن در ایران بعد از انقلاب

اسلامی، دولت پژوهی ایران معاصر، ۴(۹)، ۳۹-۷۰.

DOR: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.27831914.1402.9.4.2.8>

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)

نویسندگان

این مقاله تحت لیسانس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.



مقدمه و بیان مسئله

تعاریف متفاوتی از دموکراسی صورت گرفته است. تنوع تعاریف صورت گرفته از دموکراسی باعث شده است که الگوها و مدل‌های متفاوتی از دموکراسی ایجاد گردد. به‌عنوان مثال دیوید هلد^۱ در کتاب مدل‌های دموکراسی از ده مدل مختلف دموکراسی نام می‌برد (هلد، ۱۳۸۴: ۱۵). یکی از الگوهای مهم دموکراسی، الگوی دموکراسی کثرت‌گراست. دموکراسی کثرت‌گرا نقدی بر مفهوم سنتی دموکراسی بوده است که در آن از مشارکت توده مردم در زندگی سیاسی سخن گفته می‌شد (مک‌لنن^۲، ۱۳۸۵: ۱۳۹). به‌ویژه در تعبیر ژاکوبینی از دموکراسی یا همان «دموکراسی اکثریتی» (که به آن دموکراسی روسویی هم می‌گویند) «مشارکت اکثریت توده مردم در زندگی و تصمیم‌گیری سیاسی» ملاک دموکراسی تلقی می‌شود. این در حالی که بر طبق نظریه پلورالیسم «دموکراسی» به مفهوم متداول و واقعی چیزی جز «تعدد گروه‌های قدرت و احتمال دست به دست شدن قدرت سیاسی میان آن‌ها» نیست، در حالی که دیکتاتوری به معنی سلطه گروه قدرت واحد است. بنابراین در الگوی پلورالیسم رابطه قدرت دولتی با مجموعه نیروها و گروه‌های اجتماعی بررسی می‌شود. «تکثر و تنوع منابع قدرت» فرض اصلی دیدگاه پلورالیسم است. قدرت سیاسی فرآیند پایان‌ناپذیر رقابت و سازش میان نیروهای مختلف است که نماینده علایق و منافع اجتماعی گوناگون مانند گروه‌های صنعتی و تجاری، جنبش‌های کارگری، گروه‌بندی‌های مذهبی و قومی و غیره هستند (عباس‌زاده و سوری، ۱۳۹۲: ۵۸).

در پژوهش حاضر تلاش می‌شود با استفاده از نظریه دموکراسی کثرت‌گرا وضعیت دموکراسی در ایران پس از انقلاب اسلامی مورد ارزیابی قرار گیرد. مطابق این ارزیابی، هر چند به دلیل ضعف احزاب سیاسی در ایران پس از انقلاب، کثرت‌گرایی سیاسی به آن شکل که مدنظر نظریه کثرت-گرایی دموکراتیک است وجود نداشته است با این حال، این موضوع به معنای فقدان هرگونه تنوع و کثرت در عرصه سیاست در ایران در این مقطع زمانی نبوده است. در واقع، کثرت‌گرایی سیاسی در سال‌های پس از انقلاب اسلامی به‌جای حزب محوری، ماهیتی جناح‌محور داشته است. این

1. David Held

2. Gregor McLennan

بدان معناست که در ایران پس از انقلاب شاهد کثرت سیاسی در قالب جناح‌های مختلف با مواضع و دیدگاه‌های متفاوت در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... بوده‌ایم؛ بنابراین علی‌رغم موانعی که بر سر راه کثرت‌گرایی جناح محور در سال‌های پس از انقلاب وجود داشته است، هیچگاه یک جناح به طور کامل و مطلق عرصهٔ سیاست را در اختیار خود نگرفته است. تداوم کثرت نیروهای سیاسی در ایران پس از انقلاب ریشه در پایگاه اجتماعی آن‌ها داشته است. در واقع، هر یک از جناح‌های سیاسی باتوجه به مواضع خاصی که در حوزه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و... ارائه کرده است توانسته حمایت بخش‌های خاصی از جامعه را به دست آورده و آن بخش را تبدیل به پایگاه حمایتی خود نماید. به این ترتیب، باتوجه به برخورداری هر یک از جناح‌های سیاسی از پایگاه اجتماعی خاص خود، امکان حذف کامل یک جناح از عرصهٔ قدرت سیاسی وجود نداشته و قدرت سیاسی حالت کاملاً یکدست و فاقد تکثر پیدا نکرده و کثرت‌گرایی سیاسی با فراز و نشیب‌هایی تداوم یافته است.

در ادامه ابتدا به نظریهٔ کثرت‌گرایی دموکراتیک و آرای مهم‌ترین نظریه‌پرداز آن یعنی رابرت دال^۱ خواهیم پرداخت، سپس جناح محور بودن سیاست در ایران مورد بحث قرار می‌گیرد. در پایان ضمن پرداختن به تنوع جناح‌های سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی و تلاش هر یک از آن‌ها برای به دست آوردن قدرت سیاسی، پایگاه اجتماعی هر یک از آن‌ها به عنوان دلیل اصلی تداوم حضورشان در عرصهٔ سیاسی بررسی خواهد شد.

مبانی نظری پژوهش

یکی از الگوهای رایج در جامعه‌شناسی سیاسی معاصر الگوی پلورالیسم است که در مقابل نظریه‌های مارکسیستی دربارهٔ مبنای طبقاتی دولت، بر تعدد مراکز قدرت اجتماعی تأکید می‌گذارد. این الگو از یک سو متأثر از سنت و بر است که بر منابع مختلف قدرت در جامعه تأکید می‌گذاشت و از سوی دیگر در واکنش به نظریات رئالیستی و الیستی اوایل قرن بیستم به ویژه نظریات پاره تو و موسکا که بر وجود الیت قدرت در جامعه تأکید می‌گذاشتند، عرضه شده است.

1 . Robert A. Dahl

به‌طور کلی، به‌موجب الگوی پلورالیسم در جامعه‌شناسی سیاسی، قدرت اجتماعی در جامعه مدرن تمایل به تفرق دارد و منابع آن متعدد و متکثر است و مقولاتی چون ثروت، حیثیت اجتماعی، نفوذ مذهبی، تحصیلات، اطلاعات، کنترل بر وسایل ارتباطی و جز آن را در بر می‌گیرد. از همین رو شماری از گروه‌های قدرت در جامعه وجود دارد. وضعیت پلورالیسم قابل‌تشبیه به وضعیت الیگوپولی در اقتصاد است که در آن نه رقابت کامل بازاری (معادل دموکراسی اکثریتی) و نه مونوپولی یا انحصار کامل (معادل حکومت الیت واحد) برقرار است، بلکه تعدادی گروه قدرت با یکدیگر رقابت می‌کنند و شناخت رابطه دولت و جامعه نیازمند شناخت این گروه‌هاست. در واقع، مفروض اصلی دموکرات‌های کثرت‌گرا این است که قدرت دارای منابع متعددی است. همه گروه‌های جامعه نیز به‌طور یکسان به انواع منابع دسترسی ندارند؛ بلکه نابرابری‌های بسیاری از این جهت در جامعه وجود دارد و هر گروهی به بخشی از منابع قدرت دسترسی دارد. مفروض دوم این است که قدرت به‌صورت غیر سلسله‌مراتبی و رقابتی است (نش، ۱۳۸۰: ۶۵). گروه‌های هم‌سود که حول تقسیمات اقتصادی یا فرهنگی خاص از قبیل طبقه اجتماعی، مذهب یا قومیت شکل گرفته‌اند برای تصاحب منابع اندک موجود به رقابت می‌پردازند؛ بنابراین اتخاذ تصمیمات حکومتی دموکراتیک متضمن متوازن کردن تقاضاهای گروه‌های بالنسبه کوچک و ارضای این تقاضاهاست. حتی گاهی تفکیک میان نظام سیاسی از این گروه‌ها قابل‌تشخیص نیست و هر یک از بخش‌های حکومت تحت نفوذ یک گروه خاصی است. از اینجاست که مفروض سوم تکثرگرایان شکل می‌گیرد و آن این که هیچ مرکز تصمیم‌گیری نهایی قدرتمندی وجود ندارد؛ بلکه مراکز متعدد تصمیم‌گیری هر یک درون خود به‌گونه‌ای تقسیم شده‌اند که می‌توانند سهم زیادی از قدرت را از آن خود کنند. از نظر تکثرگرایان هرچند ممکن است گروه‌هایی که دارای سازمان‌دهی بهتر و منابع بیشتری باشند بر دستگاه قدرت سلطه یابند؛ ولی گروه‌های دیگر برخوردار از منابع قدرت هم به شیوه‌های گوناگونی در زمینه اتخاذ تصمیم‌ها و سیاست‌ها در جهت منافع خودشان بر حکومت فشار وارد می‌کنند (بشیریه، ۱۳۸۲: ۶۷).

به این ترتیب یکی از مدل‌های دموکراسی را می‌توان مدل کثرت‌گرای دموکراسی دانست. هر چند دیوید هلد از یازده مدل مختلف دموکراسی به شرح زیر یاد می‌کند:

۱. دموکراسی کلاسیک: از خصوصیات این دموکراسی مشارکت مستقیم شهروندان در امور قانون گذاری است. این مدل در یونان باستان و با خصوصیات شهروندان محدود آتن رهگیری شده است.
۲. دموکراسی حمایتی: علت نام گذاری این دموکراسی این است که مردم یا شهروندان فعال برای اطمینان حاصل کردن از این که حاکمان سیاست‌هایی در جهت منافع آنها را پیگیری می‌کنند خواستار به دست آوردن حمایت حاکمان و نیز حمایت از یکدیگر هستند. در این دموکراسی اگر چه حاکمیت در نهایت متعلق به مردم است، اما به نمایندگانی تفویض می‌شود که از سوی شهروندان اعمال حاکمیت کنند.
۳. دموکراسی تکاملی رادیکال: در این مدل شهروندان از برابری سیاسی و اقتصادی و نیز آزادی برخوردارند و هیچ یک بر دیگری رجحان و تفوق ندارد. تقسیم وظایف قوا از خصوصیات اصلی این دموکراسی است. شرایط عمومی تحقق آن، اجتماع کوچک غیرصنعتی است.
۴. دموکراسی تکاملی: در این دموکراسی، مشارکت در حیات سیاسی صرفاً برای پاسداری از منافع شخصی و فردی نیست، بلکه برای ایجاد شهروندانی آگاه، مسؤول و رشید نیز ضروری است. از ویژگی‌های این دموکراسی این است که حق رأی همگانی بوده و تفکیک قوا به طور کامل در آن وجود دارد به نحوی که حتی دستگاه بوروکراسی دولتی نیز از حاکمان منتخب مردم، کارکردی جداگانه دارند و تفکیک شده‌اند.
۵. دموکراسی مستقیم مارکسیستی: این نوع مدل را دیوید هلد به همراه شرح نظریه‌های مارکسیستی در گرایش‌های مختلف آن شرح می‌دهد. از خصوصیات حاکم بر این مدل که در دو حالت سوسیالیسم و کمونیسم تبیین شده، این است که پیش شرط تحقق آزادی واقعی، پایان استثمار و در نهایت برابری کامل اقتصادی و سیاسی است.
۶. دموکراسی نخبه‌گرای رقابتی: در این مدل نویسنده با طرح نظریات شومپتر و حملات وی به دموکراسی کلاسیک، مدلی از حکومت دموکراتیک را بیان می‌دارد که در آن نخبگان سیاسی کارآمد و کاردان تصمیم‌گیرندگان اصلی هستند. در این مدل طبق نظریه‌های شومپتر نقش شهروندان معمولی بسیار محدود است. مدل نخبه‌گرایی رقابتی شاهد خصوصیتی چون حاکمیت

سیاست‌های حزبی در پارلمان، تمرکز در رهبری سیاسی و حکومت پارلمانی با قوه مجریه قوی هستیم.

۷. دموکراسی تکثرگرایانه: در این مدل به دیدگاه تجربی در دموکراسی که مبتنی بر نظریات اندیشمندان و نویسندگان آمریکایی است توجه می‌شود. از خصوصیات این مدل کم کردن آسیب‌پذیری حکومت به وسیله حفظ اقلیت‌ها و تأمین آزادی‌های همه جانبه سیاسی است. آزادی بیان، آزادی تشکیلات سیاسی و غیر سیاسی، تنوع گروه‌های در پی کسب نفوذ در سیاست و میانجی‌گری و داوری حکومت بین تقاضاها و مطالبات متکثر، از ویژگی‌های این مدل به شمار می‌رود.

۸. دموکراسی حقوقی: در مدل حقوقی، اهتمام و توجه به اصل اکثریت برای حفظ آزادی و حفاظت از افراد در مقابل حکومت خود رأی توصیه می‌شود. همچنین خصوصیات چون حداقل مداخله دولت در جامعه مدنی و زندگی خصوصی و حداکثر میدان عمل برای جامعه بازار آزاد و وجود رهبری سیاسی در محدوده اصول لیبرالی را می‌توان برای آن برشمرد.

۹. دموکراسی مشارکتی: در این مدل گفته شده که حق مساوی برای تکامل شهروندان و تأمین منافع آنان صرفاً در یک جامعه مشارکتی تحصیل می‌شود. مشارکت مستقیم شهروندان در نهادهای اصلی جامعه چون محل کار و محله و فعالیت احزاب مشارکتی در قالب ساختارهای پارلمان‌گونه یا کنگره‌ای از خصوصیات این مدل است. برای تحقق دموکراسی مشارکتی به حداقل رساندن قدرت بوروکراسی غیر مسؤول در زندگی عمومی و خصوصی لازم شمرده شده است.

۱۰. دموکراسی خودمختار: در مدل مزبور بر شرایط و خصوصیات خودمختاری دموکراتیک تأکید می‌شود. شرایطی که در آن به زندگی دموکراتیک بیش از رأی دادن ادواری شهروندان توجه می‌شود. در دموکراسی خودمختار می‌بایست فرصت‌هایی برای شهروندان ایجاد شود که بتوانند ظرفیت‌ها و استعدادها را بروز دهند و در برخورداری از این فرصت‌ها و محدودیت‌ها می‌بایست افراد یک جامعه با هم برابر باشند.

۱۱. دموکراسی (فراگیر) جهانی: در این مدل، دموکراسی با لحاظ شرایط عصر جهانی شدن مورد بحث قرار گرفته است. در دموکراسی جهانی با توجه به این که در شرایط موجود روابط منطقه‌ای و جهانی با یکدیگر اصطکاک افزون‌تری دارند، اصول خودمختاری سیاسی نیازمند آن

است که در یک مرزبندی و سنگربندی جدید در سیستم ارتباطی «منطقه‌ای» و «جهانی» باز تعریف شود.

حامیان مدل گثرت‌گرای دموکراسی، انتخابات و نظام حزبی رقابتی را در تعیین سیاست بااهمیت می‌دانند و معتقدند اگر نظام‌های انتخاباتی رقابتی با تعدد گروه‌های اقلیت همراه باشد در این صورت قطعاً حقوق دموکراتیک حفظ خواهد شد. انتخابات باعث خواهد شد که نمایندگان سیاسی به اولویت‌های معمولی شهروندان توجه کنند. از نظر رابرت دال اگرچه در جوامع امروزه اکثریت مردم حکومت نمی‌کنند، اما در واقع باید گفت که حکومت از آن‌هاست، زیرا سیاست دموکراتیک و به تعبیر دیگر حکومت اقلیت تا جایی استمرار می‌یابد که در چارچوب محدودیت‌های وفاقی باشد که مبتنی بر ارزش‌های سیاسی اعضای فعال جامعه است. هرچه دامنه وفاق گسترده‌تر باشد دموکراسی امنیت بیشتری دارد. اگر سیاستمداران انتظارات انتخاب‌کنندگان را برآورده نکند در اولین فرصت شکست خواهند خورد؛ بنابراین دموکراسی تکثرگرا نظام انتخابات، رقابت حزبی و گروه‌های ذی‌نفع را به رسمیت می‌شناسد (هلد، ۱۳۸۴: ۲۹۴). مطابق نظریه دموکراسی تکثرگرا، مشارکت فردی و زندگی عمومی ضرورت و اهمیت خود را از دست داده و دیگر لازمه دموکراسی به حساب نمی‌آید. از نظر کثرت‌گرایان این مطلب چندان اهمیت ندارد که مردم در مسائل سیاسی مشارکت جدی داشته باشند؛ بنابراین دموکراسی ملازم با مرتبه بالایی از مشارکت فعال شهروندان نیست و بدون چنین مشارکتی هم می‌تواند به خوبی کار کند (هلد، ۱۳۸۴: ۲۹۱).

دال مهم‌ترین جامعه‌شناس سیاسی در مکتب پلورالیسم است. وی در بررسی‌های خود از نحوه توزیع قدرت سیاسی در جوامع سرمایه‌داری در پی اثبات الگوی جامعه‌شناسی سیاسی پلورالیستی در مقابل الگوهای دیگر بوده است. دال در کتاب خود به نام «دیباچه‌ای بر نظریه دموکراسی» استدلال می‌کند که وجود گروه‌ها و علایق اجتماعی متعدد و متکثر اساس دموکراسی است و دموکراسی را تنها می‌توان به مفهوم دست‌به‌دست شدن حکومت میان چندین گروه اقلیت تعریف کرد. رابرت دال در رابطه با عمل و حقیقت دموکراسی‌های امروزی از مفهوم «پولیاری» به معنای چندین گروه که معمولاً در برابر یک گروه یعنی الیگارش‌ی قرار می‌گیرد، استفاده می‌کند و معتقد است در دموکراسی‌های امروزی چندین الیت (گروه ذی‌نفوذ) حکومت کرده و حقیقت جوامع

دموکراتیک امروزی همانا نظام حاکمیت چند گروه یا پولیاریشی است. از نظر دال نظام دموکراسی، مابین حکومت یک الیت واحد از یک سو و آرمان تحقق حکومت اکثریت مردم از سوی دیگر قرار دارد، و به این معنی چیزی جز وضعیت «پولیاریشی» نیست که در آن رقابت آشکار و آزادی برای جلب حمایت مردم در میان الیت‌ها و یا گروه‌های مختلف جریان دارد (مک لنان، ۱۳۸۵: ۶۸). به این ترتیب، دال معتقد است که شکل‌گیری اکثریت اصولاً ناممکن است و هیچ‌گاه اکثریتی شکل نخواهد گرفت که بر اقلیت استبداد بورزد، بلکه همواره اقلیت‌های دارای قدرت با یکدیگر رقابت می‌کنند. بدین جهت او به همراه لیند بلوم^۱ اصطلاح پولیاریشی (polyarchy) یا حکومت چندین اقلیت را برای نظام‌های دموکراتیک به کار می‌برد و در کتابی به همین عنوان به بررسی دموکراسی می‌پردازد (دال، ۱۳۹۷: ۳۰).

رابرت دال نظام گروه‌های نخبه رقیب (برجستگان اجتماعی و برجستگان اقتصادی و صاحب‌منصبان سیاسی) را نظامی چند سالاری (پولیاریشی^۲) نامید. در این نظام گروه‌های ذی‌نفع گوناگون می‌توانند بر سر پیشنهادهای سیاسی چانه بزنند و رقابت کنند. در واقع، اکثریت جامعه خواستار دگرگونی بنیادی در ساختارها نیستند. در چنین جامعه‌ای هیچ گروهی به تنهایی یک گروه ذی‌نفع اکثریت را تشکیل نمی‌دهد (بشیریه، ۱۳۸۲: ۸۵). این دیدگاه با «نظریه پایان ایدئولوژی» سازگار است؛ چون در جوامع لیبرال - دموکراتیک توافقی اساسی در مورد هدف‌ها وجود دارد؛ و اختلاف‌ها تنها بر سر وسایل رسیدن به اهداف می‌باشد. از نظر دال، دموکراسی مفهومی آیدآلیستی است، درحالی‌که پولیاریشی واقعیت موجود در جوامع دموکراتیک را بیان می‌دارد. پولیاریشی نظامی سیاسی است که در آن رقابت آزاد میان گروه‌های قدرت و اقلیت‌های ذی‌نفوذ جریان دارد از دیدگاه دال، دموکراسی به‌عنوان روش‌گزینش رهبران و تضمین نظارت شهروندان بر ایشان اهمیت بیشتری دارد تا به‌عنوان نظامی برای تأمین حقوق و آزادی‌های فردی و مشارکت و رقابت کامل و تمام‌عیار (دال، ۱۳۹۷: ۴۲).

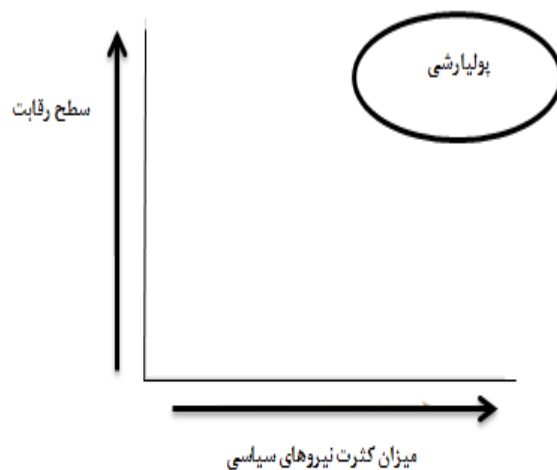
بر اساس نظریه پولیاریشی (به‌مثابه رویکردی رفتارگرایانه/ واقع‌گرایانه به دموکراسی) سوژه‌های سیاسی واقعی نه توده‌ها بلکه چند گروه ذی‌نفوذ هستند و حکومت اکثریت در واقع اکثریتی از مردم

1. Charles Edward Lindblom

2. polyarchy

را نمایندگی نمی‌کند، بلکه بر کنش و واکنش مجموعه‌ای از اقلیت‌های رقیب استوار است. بنابراین، ماهیت واقعی دموکراسی «چرخش نخبگان» است نه حاکمیت مردم. تفسیر ویژه دال از کثرت‌گرایی، با وجود تأثیرپذیری از نخبه‌گرایان رقابتی، به بازبینی در دموکراسی نخبه‌گرا از طریق گنجانیدن مفهوم «سیاست‌شناسی گروه‌های ذینفوذ» (فاصله میان شهروند و منتخب) می‌انجامد (هلد، ۲۸۳: ۱۳۸۴) در این زمینه وی با ترجیح واژه پولیاریشی بر دموکراسی از «دموکراسی سیاسی آن‌گونه که در کشورهای واقعی جریان دارد» سخن می‌گوید چرا که آرمان دموکراسی را با واقعیت جوامع پیچیده امروزی ناهم‌ساز می‌داند. به اعتقاد دال «باید به لحاظ تعریف شناختی، میان دموکراسی به‌عنوان یک کمال مطلوب و دموکراسی به‌عنوان یک نظام واقعاً موجود تمایز قائل شد» (دال، ۱۳۹۷: ۳۹). مطابق دیدگاه دال، در جامعه با مراکز متعدد قدرت مواجهیم، به‌طوری‌که هیچ‌یک از استقلال کامل برخوردار نیست. گروه‌های سهمیم در قدرت، آن را مبادله می‌کنند و برای اتخاذ سیاست‌های الزام‌آور بر حکومت فشار می‌آورند با چنین تلقی‌ای از توزیع قدرت، موضوع سیاست نیز رقابت گروه‌هایی می‌شود که هیچ‌یک توان سلطه کامل ندارند و نهاد سیاست نیز، به مفهوم ایستونی کلمه، عرصه سیال و مستمر چانه‌زنی برای حل مسالمت‌آمیز تضادها و تخصیص ارزش‌ها قلمداد می‌شود. بنابراین، اقدامات حکومت معطوف به داوری میان گروه‌های رقیب می‌شود. دال نیز مانند سایر کثرت‌گرایان بر این باور است که در چنین ساختاری (فاقد مرکز تصمیم‌گیری نهایی قدرتمند) تعادل و ثبات از یک منظر محصول «پیچیدگی متلون» مناسبات و «عضویت متداخل» میان گروهی است و از منظر کلی‌تر محصول «اجماع» بر قواعد بازی و معیارهای عمل سیاسی (عباس‌زاده، ۱۳۹۵: ۳۲۸-۳۲۹).

پژوهش حاضر تلاش می‌کند بر مبنای مدل دموکراسی کثرت‌گرای رابرت دال وضعیت دموکراسی در ایران پس از انقلاب اسلامی را تحلیل کند. مدل نظری دال مبتنی بر دو اصل رقابت و تکثر نیروهای سیاسی است. در این مدل، دموکراسی مبتنی بر افزایش رقابت سیاسی بین نیروهای سیاسی متکثر است. مدل نظری دال که مبنای پژوهش حاضر است در شکل زیر نشان داده شده است:



منبع: دال، ۱۳۹۷: ۴

پیشینه پژوهش

هادی دولت‌آبادی و حجت‌الله ایوبی (۱۳۹۶) در مقاله دوقطبی راست و چپ: پیشینه، ویژگی‌ها و پیدایش در سیاست، سعی در بررسی ویژگی‌ها و پیدایش دوگانه‌ی راست و چپ در جهان دارند، و ابتدا به تبیین این مفاهیم جهان‌شمول در زندگی انسان می‌پردازند. برتری دست راست نسبت به دست چپ در فرهنگ‌ها و نیز نسبت دادن این دوگانه به زوج مرد و زن با ارائه مثال‌هایی در ادبیات کهن فارسی بخش دیگری از این مقاله است. پژوهشگر سپس به حضور و اهمیت این دوگانه در مذهب و متون مقدس می‌پردازد و شباهت رویکرد مذاهب مختلف را در قبال این دو مفهوم به تصویر می‌کشد، مقاله پس از بررسی حضور دوگانه در سیاست در طی انقلاب کبیر فرانسه در جریان جلسات مجلس مؤسسان فرانسه و قرار گرفتن طرفداران قدرت بی‌حد و حصر شاه در سمت راست و طرفداران مردم و انقلابیون در سمت چپ، به اهمیت نقش جراید از سال ۱۸۱۵ به بعد در عمومی کردن این واژگان در عرصه‌ی سیاسی فرانسه می‌پردازد.

ناصر جمالزاده و سید محمدصادق کاظمی (۱۳۹۴) در مقاله علت کاری انشعاب جریان‌های سیاسی پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، به این نتیجه رسیده‌اند که جریان‌های سیاسی پس از انقلاب اسلامی ایران تاکنون انشعاب‌های متعددی به خود دیده‌اند. به گونه‌ای که هر جریانی، حتی تازه تأسیس بعد از مدت‌ها طولانی به انشعاب و چندگانگی دچار می‌شود. انشعاب‌ها در جریان‌های سیاسی در بسیاری موارد به انحلال جریان و یا تقابل و نزاع‌های سیاسی منجر می‌شود، از نظر نویسندگان، علت کاوی این انشعاب‌ها گام اولی است که می‌توان برای ایجاد ثبات در جریان‌ها و احزاب سیاسی داخل برداشت، زیرا سیر تحولات سیاسی به گونه‌ای است که نشان از ادامه داشتن این روند در جریان‌های سیاسی دارد.

علی دارابی (۱۳۹۳) کتاب جریان‌شناسی سیاسی ایران را در یک مقدمه و سه فصل و همراه با جمع‌بندی و نتیجه‌گیری تدوین می‌کند، نویسنده فصل اول کتاب را به کلیات و مبانی پژوهش، مفاهیم، ادبیات، فرضیه‌ها و متغیرهای آن اختصاص می‌دهد. در فصل دوم به جریان‌شناسی سیاسی در ایران از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ پرداخته و پنج جریان مذهبی یا اسلام‌گرا، ناسیونالیست، چپ یا مارکسیستی، ترکیبی و التقاطی و بالاخره سلطنت‌طلب را با ویژگی‌های هر یک از جریان‌های مذکور مورد بحث قرار می‌دهد. فصل سوم کتاب به طور خاص جریان‌های سیاسی اسلام‌گرا در جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد، پس از جمع‌بندی و نتیجه‌گیری، آخرین فهرست احزاب و تشکل‌های سیاسی در ایران امروز به عنوان ضمیمه کتاب آورده شده است.

محمود فاضلی بیرجندی (۱۳۹۳) در کتاب از مهدی بازرگان تا حس روحانی کابینه‌ها در جمهوری اسلامی ایران، هدف کلی خود را معرفی ۱۴ کابینه‌ای می‌داند که دولت مهدی بازرگان نخستین آن است و کابینه حسن روحانی که کار خود را از سال ۱۳۹۲ آغاز کرده است. آخرین آن‌ها، در هر یک از فصول شش‌گانه کتاب، نویسنده شرح حال مختصری از رئیس کابینه، گرایش سیاسی کابینه و اجمالی از مهم‌ترین حوادث و رخداد‌های آن برهه را که می‌تواند ارتباطی با موضوع کابینه داشته باشد ارائه داده است.

علی دارابی (۱۳۹۰) در مقاله جامعه‌شناسی جریان‌های سیاسی در دهه چهارم انقلاب اسلامی، سعی دارد با توجه به اینکه شناخت صحیح مسائل سیاسی جامعه و امدار شناخت جریان‌های سیاسی صورت‌بندی، نحوه آرایش و عملکرد سیاسی آن‌ها در ایران پس از انقلاب اسلامی و

به‌خصوص دهه چهارم می‌باشد، به چرایی تداوم دگردیسی، تذبذب فکری و تئوریک جریان‌های سیاسی از منظر جامعه‌شناسی و نیز فرهنگ سیاسی بپردازد. عباس شادلو (۱۳۸۱) در کتاب جستاری تاریخی پیرامون تکثرگرایی در جریان اسلامی و پیدایش جناح راست و چپ مذهبی، ابتدا رویداد تاریخی و سیاسی را در بازه زمانی ۱۳۸۰-۱۳۶۰ بررسی کرده است. وی در این کتاب بازه زمانی مورد مطالعه‌اش را به سه دوره تقسیم نموده و به تحلیل تحولات سیاسی این دوره‌ها پرداخته است: فصل اول: تحکیم قدرت و جنگ (۱۳۶۸-۱۳۶۰)؛ فصل دوم: بازسازی و اصلاحات محدود (۱۳۶۷-۱۳۶۸)؛ فصل سوم: اصلاحات و توسعه سیاسی (۱۳۸۰-۱۳۷۶).

حجت مرتجی (۱۳۷۶) در کتاب جناح‌بندی‌های سیاسی در ایران، تلاش می‌کند با استناد به بیانیه‌ها، نشریات و اظهارات افراد وابسته به جناح‌های مختلف ضمن معرفی نیروها و جریان‌های سیاسی حاضر در صحنه سیاسی ایران - از سال ۱۳۷۴ تا خرداد ۱۳۶۷ تحلیلی از دیدگاه‌های آن‌ها ارائه دهد. این کتاب از سه فصل تشکیل شده است. در فصل اول جناح‌بندی در نظام جمهوری اسلامی از دیدگاه‌های مختلف تبیین می‌شود. فصل دوم شرح و تفسیری از مواضع سیاسی اقتصادی و فرهنگی جناح‌ها در نظام جمهوری اسلامی طی سال‌های ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۶ می‌باشد. در فصل سوم هم دیدگاه‌های سیاسی اقتصادی و فرهنگی جناح‌ها با یکدیگر مقایسه و با استفاده از نمودار نشان داده شده است.

نوآوری پژوهش

در پژوهش‌های پیشین، تاریخ شکل‌گیری انشعاب و کثرت نیروهای سیاسی در جریان اسلامی و همچنین جریان‌شناسی این نیروها در ایران پس از انقلاب اسلامی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است؛ ولی در آن‌ها اشاره‌ای به تداوم این کثرت، عوامل مؤثر بر این تداوم و همچنین تأثیرات و پیامدهای این تداوم برای ساختار سیاسی ایران و به‌ویژه تأثیر آن بر توسعه سیاسی در ایران نشده است. پژوهش حاضر تلاش دارد به عوامل مؤثر بر تداوم کثرت نیروهای سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی و تأثیر این کثرت بر ساختار سیاسی ایران و به‌ویژه توسعه سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی بپردازد.

اهمیت پژوهش

امروزه دموکراسی مقبول‌ترین شکل حکومت در سطح جهان است. کشورهای مختلف تلاش می‌کنند تا حداقل ظواهر دموکراسی رعایت را رعایت کنند. باین‌حال، دیدگاه‌های مختلفی در خصوص چیستی دموکراسی و اصول اساسی نظام‌های سیاسی دموکراتیک وجود دارد؟ جمهوری اسلامی ایران هم پس از پیروزی انقلاب اسلامی تلاش کرده است میان دموکراسی و اصول بنیادین دین اسلام پیوند برقرار کند. گنجاندن اصولی در خصوص انتخابات، همه‌پرسی، حقوق و آزادی‌های سیاسی و... همه حاکی از تلاش بنیان‌گذاران نظام جمهوری اسلامی برای برقراری چنین پیوندی است. از این‌رو بررسی مدل‌های مختلف دموکراسی و تلاش برای مشخص‌شدن نسبت به این مدل‌ها با سازوکار دموکراسی در جمهوری اسلامی ایران یک مسئله ضروری و پراهمیت است. نظر به این اهمیت و ضرورت، در پژوهش حاضر تلاش شده است یکی از مدل‌های دموکراسی (دموکراسی کثرت‌گرا) مورد بحث و بررسی قرار گرفته و سپس وضعیت دموکراسی در ایران بر اساس این مدل مورد تحلیل قرار گیرد.

روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق پژوهش حاضر برای آزمون فرضیه و پاسخگویی به سؤال، روش توصیفی تحلیلی می‌باشد. ابتدا تلاش می‌شود وضعیت جناح‌های سیاسی در ایران و تداوم آن‌ها به شکل توصیفی تشریح و بررسی گردد. سپس به شکل تحلیلی ریشه‌های تداوم کثرت در جناح‌های سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی مورد بررسی قرار گرفته و پیامدهای آن برای دموکراسی و توسعه سیاسی توضیح داده خواهد شد. روش گردآوری داده‌ها، به شکل کتابخانه‌ای با مطالعه اسناد و اطلاعات تاریخی و همچنین داده‌های آماری مرتبط با موضوع می‌باشد.

سیاست جناح محور در ایران پس از انقلاب اسلامی

یکی از ویژگی‌های مهم سیاست در ایران چه پیش از انقلاب اسلامی و چه پس از آن، ضعف احزاب سیاسی بوده است. در واقع، احزاب سیاسی در ایران آن‌گونه که باید شاید در عرصه

سیاست فعال نبوده و کارکردها و نقش‌هایی که مختص آنهاست را به‌درستی ایفا ننموده‌اند. ضعف احزاب سیاسی در ایران دلایل مختلفی داشته است. برخی از این دلایل عبارت‌اند از:

۱. ساختار قبیله‌ای و اجتماعی؛
۲. ضعف نخبگان سیاسی؛
۳. استبداد و ساختار مطلقه قدرت؛
۴. نظام اقتصادی وابسته به نفت؛
۵. اقتصاد بیمار دولتی،
۶. تعدد، تغییر و ناپایداری قوانین انتخاباتی
۷. نداشتن رهبری منسجم؛
۸. مبهم بودن اهداف و برنامه‌ها یا عدم وجود برنامه‌های عملی مشخص، دقیق و عملیاتی؛
۸. عدم استقلال مالی؛
۹. تقلیدی بودن و نداشتن استقلال فکری برای حرکت و برنامه‌ریزی در جهت اصلاح شرایط و تحولات منطبق با اصول و ارزش‌های مورد قبول ملت مسلمان ایران در نظام جمهوری اسلامی؛
۱۰. فعالیت مقطعی و محدود به دوران‌های برگزاری انتخابات؛
۱۱. وجود پدیده انشعاب در احزاب و گروه‌ها؛
۱۲. ایجاد ائتلاف‌های مقطعی برای کسب قدرت مقطعی و زودگذر (عیوضی، ۱۳۸۵: ۲۳۴؛ اخوان کاظمی، ۱۳۸۸: ۴۱).

ضعف احزاب سیاسی در ایران تأثیرات عمیقی بر ساختار سیاسی کشور گذاشته و تبدیل به یکی از موانع جدی تعمیق و تحکیم دموکراسی در ایران گردیده است. در غیاب احزاب سیاسی و عدم کارایی آنها، جناح‌های سیاسی تبدیل به بازیگران اصلی عرصه سیاست در ایران گردیده‌اند. در تمامی سال‌های پس از انقلاب اسلامی در ایران شاهد وجود حداقل دو جناح سیاسی در عرصه سیاست بوده‌ایم. در خصوص تفاوت احزاب سیاسی و جناح‌های سیاسی می‌توان گفت، به‌طور کلی احزاب سیاسی متضمن چهار شرط اساسی می‌باشند: نخست آن که حزب مستلزم وجود سازمان و تشکیلات پایداری است که حیات سیاسی آن از حیات بنیان‌گذاران آن فراتر باشد. دوم این که، تشکیلات حزبی دارای سازمان مستقر در محل، همراه با زیرمجموعه‌هایی باشد که در سطح ملی فعالیت داشته و با یکدیگر روابط منظم و متقابلی داشته باشند. سوم این که، اراده رهبران ملی و محلی سازمان برای کسب قدرت استوار باشد و نه بر اعمال نفوذ. چهارم این که، حزب باید در پی کسب حمایت عمومی به‌ویژه از طریق انتخابات باشد (نقیب‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۵). این در حالی است که جناح را باید مجموع افراد یا گروه‌هایی دانست که با اهداف و دیدگاه‌های مشترک در کوتاه‌مدت و یا بلندمدت برای رقابت و کسب قدرت سیاسی، در داخل یک حکومت یا حزب تشکیل می‌شوند. آنها دارای ماهیت رسمی و شخصیت حقوقی نیستند. جناح بخشی از یک واحد یا جریان سیاسی است که لزوماً مداومت ندارد و بنا بر ضرورت و به مناسبت‌هایی (انتخابات مجلس یا ریاست‌جمهوری) تشکیل می‌شود. در واقع جناح‌های سیاسی برخلاف احزاب سیاسی شعب مختلف در کشور ندارند و حتی دارای شخصیت حقوقی نیستند. جناح‌ها از نظر قانونی در جایی ثبت نشده‌اند و به‌طور معمول نمی‌خواهند رسمیت حقوقی و قانونی پیدا کنند. جناح‌ها به‌مرور زمان می‌توانند مواضع خود را تغییر دهند و شناسایی خود را دچار مشکل کنند، همچنین جناح‌ها نهادینه نیستند (خرمشاد و سرپرست سادات، ۱۳۹۲: ۶۹-۷۰).

البته ساختار جناحی ایران در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی یکسان نبوده و تحول پیدا کرده است. ذوالفقاری دوره‌های کلی تحول ساختار جناح‌های سیاسی در سال‌های پس از انقلاب اسلامی را به چهار دوره متمایز تقسیم‌بندی می‌کند:

آنارشسیسم جناحی (۱۳۵۷ - ۱۳۶۰)

با وقوع انقلاب اسلامی و رهایی قدرت و عدم نهادمندی سیاسی، گروه‌ها و نیروهای مختلف سیاسی به فعالیت پرداختند. در واقع، فقدان دولت حزبی نظام سیاسی نوپای ایران را بی‌ثبات و شکننده کرد. با وجود رهایی نیروها و گروه‌های مختلف سیاسی و فعالیت‌های سیاسی آن‌ها در این دوره و ظهور نوعی دموکراسی جناحی در ایران، جناح‌های سیاسی به دلیل عدم نهادینگی، کج کارکردی نمایندگی و فقدان قابلیت لازم برای بسیج و تجمیع مطالبات از درون جامعه، برای تبدیل آن‌ها به برنامه‌ی سیاستی قدرت لازم را نداشتند. همچنین، تلاش برای ایدئولوژیک‌سازی و مقدس‌سازی‌های گسترده برخی جناح‌ها، و رشد نگاه «مینی - ماکسی / حداقلی - حداکثری» به جناح‌های سیاسی، موجب حذف برخی جناح‌های سیاسی از صحنه قدرت ملی گردید. این دوره را می‌توان دوره شکل‌یابی و استقرار نظام سیاسی دانست. در این دوره به دلیل گذار از نظام سیاسی بسته دوره پهلوی و ایجاد یک فضای باز سیاسی که در نتیجه انقلاب اسلامی ایجاد شده بود شاهد ظهور گروه‌ها و جریان‌های سیاسی متعلق به گرایش‌ها و طیف‌های سیاسی مختلف و گاه کاملاً متضاد هستیم. عدم تثبیت نظام سیاسی جدید از یک سو و نبود تجربه رقابت سیاسی دموکراتیک در دوره پهلوی باعث شده بود نوعی آشفستگی بر فضای ایران حاکم گردد.

انسداد جناحی و انفعال و تجدید (۱۳۶۰ - ۱۳۶۸)

آغاز جنگ هشت‌ساله و رشد تهدیدات امنیتی از یک سو و استمرار رویکردهای ضد جناحی و کاربرد راهبردی پوپولیسم جناحی از سوی دیگر به انحصار قدرت در حزب جمهوری اسلامی انجامید. چنین وضعیتی موجب شد فعالیت‌های جناحی به‌عنوان عامل بازدارنده و تهدید ساز تلقی گردد. عدم نهادینگی جناحی و شدت رفتارهای ضد جناحی در این دوره نه تنها شکاف عمیقی در حزب جمهوری اسلامی به وجود آورد؛ بلکه در نهایت به تعطیلی آن در خرداد ۶۶ منجر شد. همچنین، عدم تساهل جناحی در ایران تا جایی پیش رفت که نه تنها موجب عزل نخستین رئیس‌جمهور شد بلکه برخی گروه‌ها را منحل ساخت. در این دوره نظام سیاسی جدید مرحله گذار را طی کرده و سعی در تثبیت خود دارد. هر چند هنوز فرهنگ سیاسی رقابت دموکراتیک بر جناح‌های سیاسی حاکم نشده و هر یک از این جناح‌ها به دنبال کنترل ساختار سیاسی به قیمت

حذف جناح سیاسی رقیب هستند. با این حال، به دلیل شفاف تر شدن مواضع اقتصادی و سیاسی جناح‌های فعال در عرصه سیاسی کشور، پایگاه‌های اجتماعی این جناح‌ها در حال شکل‌گیری است و هر جناح سیاسی در حال عضوگیری از بین اقشار مختلف اجتماعی می‌باشد.

هویت‌یابی جناحی (۱۳۶۸ - ۱۳۷۶)

با اتمام جنگ و گذار حداقلی به شرایط عادی سیاسی، تحرک بیشتری در میان جناح‌های سیاسی به وجود آمد. در چنین شرایطی نوعی پلورالیسم قطبی شده ایجاد شد که جناح‌ها در آن به‌جای رقابت انتخاباتی، به سهم‌کشی و گروگان‌گیری فضا و قدرت سیاسی روی آوردند. در این دوره، انتخابات صندوق محور دکترین اصلی جناح‌های سیاسی شد. به بیان دیگر، جناح‌های سیاسی تنها بر مطالبات دفاعی و گذرا تمرکز کردند و انتخابات به‌نوعی لاتاری سیاسی برای کسب قدرت بیشتر تبدیل گردید. در این دوره نظام سیاسی جمهوری اسلامی با عبور از بحران‌های دوران گذار و پایان جنگ تحمیلی توانسته است خود را تثبیت نماید. در این دوره اختلافات جناح‌های سیاسی به لحاظ سیاسی و اقتصادی روشن‌تر شده و هر جناح سیاسی پایگاه مشخص اجتماعی خود را دارد. از این‌رو، هر چند هر یک از جناح‌های سیاسی سعی در کنارزدن و حذف جناح رقیب از عرصه سیاسی دارد، با این حال به دلیل برخورداری هر یک از جناح‌های سیاسی از پایگاه حمایتی اجتماعی حذف یک جناح به‌طور کامل امکان‌پذیر نیست و در نتیجه شاهد تداوم کثرت‌گرایی نیروهای سیاسی فعال در عرصه سیاسی کشور هستیم.

تشدید ایدئولوژیک سازی سیاست جناحی (۱۳۷۶ به بعد)

تشدید ایدئولوژیک شدن سیاست جناحی و انقلابی شدن انتخابات در این دوران پیش‌بینی نتیجه انتخابات را دشوار کرد. تلاش پایدار قدرت سیاسی برای رابطه با واسطه با جامعه به انقلابی شدن انتخابات از یک سو و امنیتی‌شدن فضای سیاسی جامعه از سوی دیگر منجر شد که قرائت ارزشی جناح‌ها از سیاست و قدرت برای بقای سیاسی را ایجاب می‌کرد. در حقیقت، دوقطبی شدن رادیکال سیاست در این دوره موجب شد جناح‌های سیاسی به استخدام عقل سیاسی معیشت اندیش روی بیاورند. به این ترتیب، با تقدس‌زدایی و عرفی‌سازی سیاست و فرسایش ماهیت

استعلایی قدرت، ساختار قدرت سیاسی با تهدید و مخاطره بی سابقه‌ای مواجه شد (ذوالفقاری، ۱۳۹۷: ۲-۳).

مجتبی زاده و لیالی هم در کتاب «جریان‌شناسی سیاسی: نگاهی به احزاب گروه‌ها و جریان‌های سیاسی در ایران معاصر» دوره‌های تحول جناح‌بندی سیاسی در ایران پس از انقلاب را در قالب پنج دوره تاریخی مطرح می‌کنند:

دوره اول: دوران شکل‌گیری و تثبیت نظام (سال ۵۷-۵۹)

دوره دوم: دوران دفاع مقدس (سال ۵۹-۶۸)

دوره سوم: دوران سازندگی (سال ۶۸-۷۶)

دوره چهارم: دوران اصلاحات (سال ۷۶-۸۴)

دوره پنجم: دوران اصول‌گرایی (سال ۸۴-۹۱) (مجتبی زاده و لیالی، ۱۳۹۶: ۱۷۹).

علی‌رغم تحول صورت گرفته در ساختار جناح‌های سیاسی در سال‌های پس از انقلاب اسلامی و فراز و نشیب‌هایی که وضعیت جناحی در ایران داشته است، همواره حداقل دو جناح سیاسی در عرصه سیاست حاضر بوده و برای کسب قدرت سیاسی با یکدیگر رقابت کرده‌اند. در جدول زیر تکثیر جناح‌های سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی نشان داده شده است:

جدول ۱: جناح‌های سیاسی فعال در ایران پس از انقلاب اسلامی	
دوره زمانی	جناح‌های سیاسی فعال
۱۳۵۷ تا ۱۳۶۸	جناح محافظه‌کار و جناح چپ رادیکال
۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶	جناح محافظه‌کار، جناح عمل‌گرا و جناح چپ رادیکال
۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴	جناح محافظه‌کار، جناح عمل‌گرا و جناح چپ جدید (اصلاح طلب)
۱۳۸۴ به بعد	جناح محافظه‌کار، جناح نو محافظه‌کار، جناح عمل‌گرا و جناح چپ جدید (اصلاح طلب)
منبع: ذوالفقاری، ۱۳۹۷	

پایگاه اجتماعی جناح‌های سیاسی و تدام کثرت آن‌ها

علی‌رغم تحول وضعیت و ساختار جناحی عرصه سیاست در ایران پس از انقلاب اسلامی، در هیچ مقطعی پس از انقلاب عرصه سیاست در ایران مبتنی بر یک جناح سیاسی نبوده و در تمامی این دوره حداقل دو جناح سیاسی رقیب در صحنه سیاست حضور داشته‌اند. این موضوع باعث تدام کثرت‌گرایی سیاسی در ایران پس از انقلاب شده است. این تداوم را می‌توان در انتخابات مختلفی که در سال‌های پس از انقلاب در ایران برگزار شده است به‌خوبی مشاهده نمود. در تمامی انتخابات برگزار شده، به‌خصوص انتخابات ریاست‌جمهوری و مجلس شورای اسلامی، همواره حداقل دو جناح رقیب با مواضع و دیدگاه‌های متفاوت و گاه متعارض با یکدیگر به رقابت پرداخته‌اند. به‌این‌ترتیب، ریشه تکثر و تنوع جناحی را بایستی در پایگاه اجتماعی خاص هر جناح جستجو کرد. این بدان معناست که هر یک از جناح‌های سیاسی شکل‌گرفته در دوره پس از انقلاب اسلامی مبتنی بر یک پایگاه حمایتی مختص به خود در جامعه بوده است و همین برخورداری از پایگاه حمایتی ویژه و خاص مانع از حذف کامل آن جناح سیاسی از عرصه سیاست و حرکت به سوی یک نظام سیاسی تک‌جناحی کامل شده است. به‌عبارت‌دیگر، به‌واسطه وابستگی هر یک از این جناح‌ها به بخش خاصی از ساختار اجتماعی و برخورداری از حمایت این بخش، جناح‌ها توانسته‌اند به حیات خود ادامه داده و علی‌رغم تمامی موانع، شاهد نوعی کثرت-گرایی جناحی در صحنه سیاسی ایران در سال‌های پس از انقلاب اسلامی هستیم. برخورداری جناح‌های سیاسی از پایگاه‌های اجتماعی خاص و ویژه را بایستی نتیجه مواضع و دیدگاه‌های متفاوت آن‌ها در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... دانست. ذوالفقاری تکثر و تنوع مواضع جناح‌های سیاسی را در حوزه‌های چهارگانه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی، و سیاست خارجی به شکل زیر خلاصه می‌کند:

جدول ۲: مواضع و دیدگاه‌های جناح‌های سیاسی در دهه اول انقلاب ۱۳۵۷-۱۳۶۸				
سیاست	اقتصاد	اجتماعی - فرهنگی	سیاست خارجی	
محافظة کار	سستی / لیبرال	محافظة کار	محافظة کار / لیبرال	جناح محافظه کار
محافظة کار	ملی‌گرا	لیبرال	محافظة کار	جناح چپ رادیکال
منبع: شادلو، ۱۳۸۰				

جدول ۳: مواضع و دیدگاه‌های جناح‌های سیاسی از ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶

سیاست	اقتصاد	اجتماعی - فرهنگی	سیاست خارجی
جناح محافظه‌کار	سنّتی / لیبرال	محافظه‌کار	محافظه‌کار / لیبرال
جناح چپ رادیکال	ملی‌گرا	لیبرال	محافظه‌کار / لیبرال
جناح عمل‌گرا	لیبرال	لیبرال	لیبرال

منبع: ذوالفقاری، ۱۳۹۷

جدول ۴: مواضع و دیدگاه‌های جناح‌های سیاسی ۱۳۷۶-۱۳۸۴

سیاست	اقتصاد	اجتماعی - فرهنگی	سیاست خارجی
جناح محافظه‌کار	سنّتی / لیبرال	محافظه‌کار	محافظه‌کار / لیبرال
جناح عمل‌گرا	لیبرال	لیبرال	لیبرال
جناح اصلاح‌طلب	محافظه‌کار / لیبرال	لیبرال	لیبرال

منبع: مرتجی، ۱۳۷۸

جدول ۵: مواضع و دیدگاه‌های جناح‌های سیاسی ۱۳۸۴ به بعد

سیاست	اقتصاد	اجتماعی - فرهنگی	سیاست خارجی
جناح محافظه‌کار	سنّتی / لیبرال	محافظه‌کار	محافظه‌کار / لیبرال
جناح عمل‌گرا	لیبرال	لیبرال	لیبرال
جناح اصلاح‌طلب	محافظه‌کار / لیبرال	لیبرال	لیبرال
جناح نو محافظه‌کار	سنّتی / لیبرال	محافظه‌کار	محافظه‌کار / لیبرال

منبع: ذوالفقاری، ۱۳۹۷

انحاذ مواضع سیاسی، اقتصادی و فرهنگی متفاوت و متمایز از سوی جناح‌های سیاسی باعث ایجاد پایگاه‌های اجتماعی خاصی برای هر یک از این جناح‌های سیاسی گردیده و به واسطه این پایگاه

اجتماعی جناح‌های مورد بحث توانسته‌اند به حضور خود در عرصه سیاسی پس از انقلاب ادامه دهند و تکررگرایی در عرصه سیاست ایران در سال‌های بعد از انقلاب اسلامی حفظ شده است. این تکرر خود را در قالب رقابت جناح‌های سیاسی برای کسب قدرت سیاسی در انتخابات بروز داده است. در ادامه پایگاه اجتماعی هر یک از این جناح‌های سیاسی فعال در عرصه سیاست در ایران به شکل مختصر مورد بحث قرار گرفته است:

پایگاه اجتماعی جناح راست سنتی

به‌طور کلی پایگاه اجتماعی جناح راست سنتی در ایران از دو طبقه روحانیت سنتی و تشکل‌های مذهبی مرتبط با بازارهای سنتی توزیعی تشکیل شده است. جامعه روحانیت مبارز را می‌توان به‌عنوان نماینده اصلی این جناح نام برد که تشکل‌های دیگری همچون جمعیت موفته اسلامی، جامعه اسلامی مهندسين، جامعه زینب، جامعه اسلامی کارگران، انجمن اسلامی پزشکان، انجمن اسلامی اصناف بازار تهران، جامعه اسلامی دانشگاهیان، جامعه اسلامی دانشجویان، جامعه اسلامی فرهنگیان، جامعه وعاظ تهران، کانون اسلامی فارغ‌التحصیلان شبه‌قاره هند، همسو با این تشکل عمل می‌کند و دیدگاه‌های نزدیک با این جناح را دارند. در ابتدای شکل‌گیری اختلاف میان جناح راست سنتی و چپ سنتی جناح بازار و اصناف (غالباً اعضای موفته اسلامی که هنوز در حزب جمهوری اسلامی فعالیت می‌کردند)، جناح راست سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و بالاخره جناح راست جامعه روحانیت مبارز حامی جناح راست سنتی بودند. در این زمان روزنامه رسالت به صاحب‌امتیازی احمد آذری قمی و مدیرمسئولی سید مرتضی نبوی و همکاری احمد توکلی دیدگاه‌های جناح راست را منعکس می‌کرد، در حالی که روزنامه کیهان به مدیرمسئولی سید محمد خاتمی و سید محمد اصغری از جناح چپ حمایت می‌کرد (بیگلر، ۱۳۹۳: ۷).

در واقع، آن بخش از مواضع جناح راست سنتی که به حکومت مربوط می‌شد و مطابق آن این جناح خواستار حاکمیت علمای دینی بر دستگاه حکومت بود و همچنین بخشی از مواضع این جناح که دین را عین فقه و دولت دینی را دولت فقهی می‌داند و معتقد است که کلیه قوانین باید بر اساس فقه باشد و تعارض قوانین و حتی قانون اساسی با احکام فقهی را نمی‌پذیرد و جانب احکام

را می‌گیرد، جاذبه فراوانی را برای کسانی که قائل به ایجاد یک حکومت اسلامی هستند، ایجاد می‌کند (ظریفی‌نیا، ۱۳۸۷: ۹۸).

از سوی دیگر از آنجا که جناح راست سنتی به‌طور کلی در حوزه اجتماع و فرهنگ محافظه‌کار و خواستار حفظ روابط سنتی اجتماعی بود و تغییر در آن را خطری در جهت حکومت سیاسی خود قلمداد می‌کرد طبیعی بود که بخشی از حامیان اصلی این جناح روحانیون سنتی و طبقات سنتی اجتماع باشند (برزین، ۱۳۷۸: ۴۰).

همچنین مواضع اقتصادی جناح راست سنتی و نیز مواضعی که در حوزه سیاست خارجی اتخاذ نموده بود از جمله این که این جریان طرف‌دار بخش خصوصی است و بر پایه همین اعتقاد و شرایط تاریخی، با دخالت دولت در امور اقتصادی مخالف است و می‌خواهد بخش وسیع‌تری از تشکیلات اقتصادی دولت به بخش خصوصی واگذار شود و دولتی کردن امور را سم مهلکی برای اقتصاد می‌داند، توانسته بود حمایت بازار، تجار و زمین‌داران را برای این جناح جلب نماید. به‌علاوه، این جناح در عده‌قلیلی از کارمندان دولتی رده‌پایین نیز نفوذ داشت (مرتجی، ۱۳۷۸: ۴۴).

پایگاه اجتماعی جناح چپ سنتی

در سال‌های نخست انقلاب اسلامی جناح چپ سنتی با مواضعی متفاوت نسبت به جناح راست سنتی شکل گرفت. در مقابل گروه‌هایی که در آن سال‌ها حامی جناح راست سنتی بودند، گروه‌های دیگری نظیر دفتر تحکیم وحدت، جناح چپ حزب جمهوری اسلامی (مجمع در دولت میرحسین موسوی)، جناح چپ جامعه روحانیت و بالاخره جناح چپ سازمان مجاهدین انقلاب قرار داشتند که حامی جناح چپ سنتی بودند. در این دوره روزنامه کیهان به مدیرمسئولی سید محمد خاتمی و سید محمد اصغری از جناح چپ حمایت می‌کرد. گروه‌هایی مانند مجمع روحانیون مبارز، دفتر تحکیم وحدت و حلقه‌هایی مانند طیف اصفهان و جناح چپ سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی مهم‌ترین سازمان‌های سیاسی حامی جناح و گفتمان چپ سنتی یا همان چپ اسلامی بودند (ایزدی و رضایی پناه، ۱۳۹۲: ۵۴).

جناح چپ سنتی هم به لحاظ خاستگاه و پایگاه اجتماعی و طبقاتی اعضا و هم به لحاظ کانون هدف گذاری‌اش در میان طبقات اجتماعی، متمایل به طبقات متوسط سنتی، طبقات پایین، حاشیه شهری و مهاجران، لایه‌های پایین طبقه متوسط جدید و روستاییان بوده است. چپ اسلامی در جریان‌های اسلامی مبارزه پیش از انقلاب ریشه دارد. این نیروها عمدتاً عبارت بودند از برخی از اقشار دانشجویی و فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها، شماری از روحانیان، به‌ویژه بخش‌های جوان‌تر و دارای خاستگاه حاشیه‌ای و دهقانی، کارگران و لایه‌های کم‌درآمد بازاری (هرسیچ و حسینی، ۱۳۸۸: ۳۷۶). این اقشار که برآیند نظام لایه‌بندی و طبقه‌سازی مدرن و دارای گرایش‌های رادیکال بودند، عموماً همان افرادی‌اند که پایگاه اجتماعی اصلی انقلاب را نیز سامان می‌دادند. انقلاب و پس از آن جنگ توانسته بود در کنار معنادهی به این توده‌ها و رهانیدنشان از بحران هویت، آنان را در درآمدهای سرشار دولتی سهیم کند (شادلو، ۱۳۸۰: ۵۰). از سوی دیگر، اینان با توجه به شعارها و داعیه‌های انقلاب و نیز برای جذب نیروی انسانی موردنیاز جبهه و جنگ، ناگزیر از طرح انگاره‌های گیرای این طبقات و اقشار اجتماعی بودند. تأکید این گفتمان بر پشتیبانی از مستضعفان، طبقات پایین، به‌ویژه از طریق یارانه و کوپن، به‌گونه‌ای بود که برخی از مخالفان از آن‌ها با تعبیر کیونیست، بر وزن کمونیست، یاد می‌کردند (فوزی، ۱۳۸۵: ۳۷۲).

پایگاه اجتماعی جناح راست مدرن

پایگاه اجتماعی جناح راست مدرن در میان طبقات وابسته به دیوان‌سالاری دولتی قرار دارد. رفسنجانی توانست مؤلفه‌های تکنوکراتیک را به منزله قواعد اجرایی مسلم در کابینه اعمال کند. الگوهای رفتاری و همچنین نماگرهای هویتی وزرا نشان می‌دهد که کابینه دوم هاشمی رفسنجانی در مقایسه با کابینه بازرگان سرشت فن‌سالارانه بیشتری داشته است (Amir Arjomand, 2009: 57). رفسنجانی در دو دوره ریاست‌جمهوری‌اش فقط از ۴ روحانی در کابینه‌اش بهره گرفت. روند کلی ایدئولوژی زدایی از مدیریت اجرایی کشور در دوران جمهوری دوم افزایش یافت. این امر از راه گماردن تکنوکرات‌هایی که گرایش اجرایی داشتند انجام شد (احتشامی، ۱۳۸۵: ۱۰۰). این جریان برخلاف جریان راست سنتی کمتر از دیدگاه‌های فرهنگی، اجتماعی برخوردار است و بیشتر تمرکزش روی مسائل اقتصادی و توسعه‌ای است. تفاوت رویکردهای

اقتصادی جناح راست سنتی با راست مدرن، شعارهای انتخاباتی متفاوتی را در این دو جریان ایجاد کرد. جناح راست سنتی که در انتخابات مجلس چهارم در سال ۱۳۷۱ با شعار حمایت از هاشمی اکثریت مجلس را به دست آورده بود، در انتخابات مجلس پنجم از رویکردی متفاوت از نگرش اقتصادی هاشمی انتقاد می‌کرد. به این ترتیب شعار عدالت اجتماعی، حمایت از محرومین، کندتر کردن آهنگ توسعه به منظور رسیدگی به اقشار محروم و... در تبلیغات جناح راست سنتی برجسته شد. در برابر، جناح راست مدرن با حمایت تمام‌قد از هاشمی و ایده اقتصادی او، شعارهایی مبتنی بر تسریع توسعه برای رسیدن به سطح مطلوب اقتصاد جهانی و تداوم سازندگی تأکید می‌کرد. در واقع، جریان راست مدرن با گرایش به سازندگی و توسعه اقتصادی به عنوان جریان معتدل چپ سنتی و راست سنتی، خود را مطرح ساخت. این جریان میانه با چرخش به چپ یا راست تغییر جهت داده و با جریان‌های راست یا چپ ائتلاف نموده است (مطهرنیا، ۱۳۷۸: ۱۹).

اعضای این گفتمان که تکنوکرات و بروکرات نام دارند و از حاشیه دولت چپ اسلامی بیرون آمده بودند، هواخواه برنامه‌های باز اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بودند. هاشمی رفسنجانی بخشی از دولت گذشته را که طرفدار این نگاه تازه بودند، نگه داشت. خاتمی از گفتمان چپ و ولایتی از گفتمان راست دو وزیری بودند که از دولت پیشین با این معیار برجای ماندند. در واقع، آن‌ها تکنوکرات‌های مرتبط با چپ و راست برخی مدیران دستگاه‌های دولتی، صاحبان شرکت‌های خدماتی، ساختمانی و تجاری مدرن و صاحبان صنایع جدید بودند که برای تأثیرگذاری برجسته‌تر متشکل‌تر به هم وصل شدند (قوچانی، ۱۳۸۱: ۵۸).

پایگاه اجتماعی جناح چپ مدرن

پایگاه اجتماعی چپ مدرن را می‌توان در طبقات متوسط جدید به خصوص طبق متوسط شهری جست‌وجو کرد. طبقه متوسطی که از دل دهک‌های میانی بیرون می‌آید. از این رو می‌توان گفت که چپ‌های مدرن به نوعی حامل ایده‌های طبقات متوسط جدید همچون دانشجویان، اقشار مذهبی، بخش‌هایی از روحانیون و روشنفکران مذهبی هستند. سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران، دفتر تحکیم وحدت و جبهه مشارکت را می‌توان از گروه‌های منتسب به جریان چپ مدرن دانست (مطهرنیا، ۱۳۸۷: ۷).

حسین بشیریه ظهور گفتمان چپ مدرن و به قدرت رسیدن این گفتمان در دوم خرداد ۱۳۷۶ را حاصل و در عین حال موجد ائتلاف و سازمان یابی طبقات و نیروهای مدرن می‌داند. وی پس از ذکر فرآیند نوسازی ایران از نیمه دوم قرن نوزده و ناکامی بلوک قدرت مشروطه، از دو روند تاریخی سخن می‌گوید که موجب ظهور انقلاب اسلامی شد: یکی حرکتی که ادامه انقلاب مشروطه در جهت محدودسازی قدرت دربار و اجرای قانون اساسی مشروطه بود و بخش عمده‌ای از طبقات و نیروهای مدرن از خواسته‌های آن حمایت می‌کردند. حرکت دوم همان حرکت اسلامی با پشتوانه طبقات سنتی و بسیج توده‌ای بود. بشیریه تحولات پدید آمده در حوزه قدرت در سال‌های پس از انقلاب را در دو گسست مرور می‌کند: اولین گسست میان نیروها و طبقات سنتی از یک سو و نیروها و طبقات مدرن از سوی دیگر رخ نمود، و گسست دوم در درون طبقات و نیروهای سنتی اتفاق افتاد. گسست دوم امکان انسجام گروه‌های بیرون از دولت اعم از سنتی و مدرن را فراهم آورد و دوم خرداد حاصل چنین زمینه‌ای بود. به اعتقاد وی، دوم خرداد در عین حال زمینه‌ساز ائتلاف جدیدی از طبقات مدرن شد. به این ترتیب به نظر می‌آید شعارها و ایدئولوژی جناح چپ مدرن بازتاب آن تحولات زیرین تاریخی و جامعه‌شناختی است (بشیریه، ۱۳۷۷: ۶۴).

بنابراین، می‌توان گفت، از یک طرف دولت اصلاحات برآیند خواسته‌های طبقه متوسط جدید و نتیجه رأی آن‌ها بوده است و از طرف دیگر، این دولت علی‌رغم دارا بودن ویژگی رانتیری تلاش کرده تا در راستای خواسته‌ها و ارزش‌های آن‌ها حرکت کند، اگر چه ساخت رانتیری دولت در نهایت تأثیرگذار بوده است (ملک‌پور و همکاران، ۱۳۹۷: ۹۹). در فاصله سال‌های ۱۳۷۶-۱۳۸۴ طبقه متوسط جدید یا شهری ایران بود که میدان‌داری می‌کرد. از روشنفکران گرفته تا احزاب متعلق به طبقه متوسط و از روزنامه‌نگاران تا تکنوکرات‌های مستقر در وزارت‌خانه‌ها و ادارات، قدرت در اختیار طبقه متوسط جدید و شهری ایران بود. در این دوره بخش‌های عمده‌ای از نیروهای متعلق به طبقه متوسط جدید و نیز اجزایی از نیروهای سنتی که در گذشته دچار انفعال شده بودند، با پیدایش فرصت مشارکت و رقابت سیاسی نسبی، امکان فعالیت بیشتری پیدا کردند (دارابی، ۱۳۹۴: ۱۵).

پایگاه اجتماعی جناح اصول‌گرا

انفعال طبقه متوسط جدید زمینه را برای گروهی تازه تأسیس به نام آبادگران فراهم کرد تا در انفعال طبقه متوسط به سازماندهی و جذب طبقات محروم جامعه پردازد و آن‌ها را برای سهم‌شدن در قدرت سیاسی تجهیز نماید. آبادگران ابتدا در ۲۰ بهمن ۱۳۸۱ اعلام موجودیت کرد. اولین تجربه حضور آبادگران شرکت در انتخابات دور دوم شورای شهر و روستا بود. در این انتخابات نظارت استصوابی شورای نگهبان نبود، برای همین تمام گروه‌های قانونی و حتی غیرقانونی اما ملتزم به کنش مسالمت‌آمیز (از جمله نهضت آزادی و نیروهای ملی - مذهبی) امکان حضور و مشارکت گسترده در انتخابات را یافتند. این انتخابات که در ۹ اسفند ۱۳۸۱ برگزار شد، با پیروزی مطلق آبادگران همراه بود. این انتخابات بیش از همه نارضایتی طبقه متوسط جدید از اصلاح‌طلبان را نمایان می‌کرد و نویدگر فصل دیگری در تاریخ اصلاحات بود (قاسمی سیانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۳۱).

در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۴ پیروزی اصول‌گرایان تثبیت شد. از جمله مهم‌ترین عوامل پیروزی احمدی‌نژاد در این انتخابات پیشروی محرومان بود. طبقات محروم جامعه که اکنون خلاء طبقه متوسط را احساس می‌کردند، از هویت و منزلت اجتماعی خود آگاه شده و به دنبال بدیلی برای برون‌رفت از وضعیت موجود بودند. انتخابات ۸۴ این زمینه را برای آن‌ها فراهم کرد که وارد عرصه سیاست شوند، در این میان احمدی‌نژاد توانست با استفاده از شعارهای تبلیغاتی خود به سازماندهی این طبقات محروم دست بزند. با اینکه محمود احمدی‌نژاد در استان‌های محروم کشور کم‌ترین شهرت و نام را داشت، ولی با نگاهی به آمار میزان رأی‌دهی به دو نامزد در دور دوم انتخابات مشاهده می‌کنیم که در استان‌های محروم (جز سیستان و بلوچستان) میزان رأی احمدی-نژاد بالاتر از هاشمی بوده است (قاسمی سیانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۳۵).

در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۴، اما طبقه پایین جامعه با حدود ۲۲ میلیون رأی در دور اول انتخابات حضور خود را در صحنه سیاست ایران بار بدون اتحاد با طبقه متوسط نمایان کرد. اگر در انتخابات ۱۳۷۶، طبقه پایین و طبقه جدید - به‌عنوان بخشی از طبقه بالا - به‌سوی سید محمد خاتمی میل کردند. در انتخابات ۱۳۸۴، راه طبقه متوسط از طبقه پایین جدا شد. طبقه متوسط بنا به گرایش‌های سیاسی و مذهبی رأی خود را به سید ۴ نامزد ریخت، همان‌گونه که طبقه پایین شعار عدالت اجتماعی را در گفتمان ۲ نامزد انتخاباتی دید. در دور دوم انتخابات ریاست جمهوری

سال ۱۳۸۴، مصافی میان طبقه بالا و متوسط در مقابل طبقه پایین جامعه بود. این بار طبقه متوسط به طبقه بالا پیوست و برعکس سال ۱۳۷۶، جانب طبقه پایین را نگرفت. نتیجه اما نمایانگر اهمیت نقش طبقه پایین بود و حاوی درس بزرگی برای طبقه متوسط جدید و شهری. انگار فقط وحدت طبقه پایین و متوسط است که می‌تواند آرایش سیاست ایران را متحول کند. باتوجه به اصول اساسی گفتمان اصول‌گرایی که قسمت قبلی به آن اشاره شد، حامیان اصلی اصول‌گرایان را باید طبقه متوسط سنتی و طبقات پایین اجتماع دانست (دارابی، ۱۳۹۴: ۱۶).

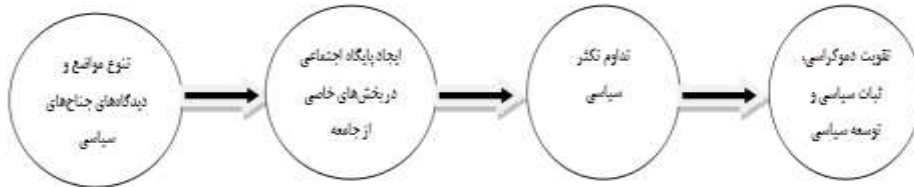
کثرت‌گرایی جناح محور و تأثیر آن بر توسعه سیاسی و دموکراسی در ایران پس از انقلاب اسلامی

از منظر نظریه دموکراسی کثرت‌گرا اساس دموکراسی و حرکت به سمت توسعه سیاسی از یک سو وجود گروه‌ها، احزاب، انجمن‌های متعدد و متنوعی است که برای کسب و حفظ قدرت سیاسی تلاش نمایند، و از سوی دیگر رقابت این گروه‌ها، احزاب و انجمن‌های سیاسی در انتخابات آزاد برای دستیابی به این هدف است. در ایران پس از انقلاب اسلامی، علی‌رغم ضعف و ناکارآمدی احزاب سیاسی، در تمامی دوره‌ها حداقل دو جناح سیاسی در صحنه سیاسی حاضر بوده‌اند، جناح‌هایی که به لحاظ مواضع سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی با یکدیگر اختلافات و تفاوت‌های قابل توجه داشته‌اند؛ بنابراین از یک سو شاهد تکثر در عرصه سیاسی ایران بوده‌ایم و از سوی دیگر این تکثر سیاسی هیچگاه در سال‌های پس از انقلاب اسلامی از بین نرفته است. علت اصلی تداوم این تکثر سیاسی، برخورداری هر یک از جناح‌های سیاسی کشور از حمایت بخش‌های خاصی از ساختار اجتماعی بوده است. به عبارت دیگر، به علت این که هر یک از جناح‌های سیاسی فعال در عرصه سیاست ایران به واسطه مواضع و دیدگاه‌های متفاوتی که داشته‌اند موفق به جلب حمایت و پشتیبانی بخش‌های خاصی از ساختار و طبقات اجتماعی شده‌اند توانسته‌اند به بقا و حیات خود در سال‌های مختلف پس از انقلاب ادامه دهند. البته این تداوم به‌رغم موانع مختلفی بوده است که پیشروی این جناح‌های سیاسی برای ادامه حیات وجود داشته است. از جمله این موانع می‌توان به تلاش جناح‌های صاحب قدرت برای حذف کامل جناح‌های فاقد قدرت سیاسی بوده است. به این معنا که جناح‌هایی که در دوره‌های مختلف قدرت سیاسی را در کنترل خود

گرفته‌اند کوشیده‌اند جناح‌های رقیب را حذف نمایند؛ ولی به دلیل پیش‌گفته در این امر چندان موفق نبوده‌اند.

علاوه بر وجود جناح‌های سیاسی مختلف در ایران پس از انقلاب، این جناح‌ها برای کسب قدرت سیاسی نیز با یکدیگر رقابت داشته‌اند، به گونه‌ای که شاهد نوعی منازعه میان جناح‌های سیاسی در عرصه سیاست ایران در دوره پس از انقلاب اسلامی بوده‌ایم. این رقابت و منازعه به‌خصوص در قالب انتخابات بروز و ظهور یافته است. در سال‌های پس از انقلاب اسلامی علی‌رغم موانع مختلفی که وجود داشته است حداقلی از تکثر و رقابت در انتخابات مختلف وجود داشته است و جناح‌های مختلف با یکدیگر در این قالب با یکدیگر رقابت کرده‌اند، به نحوی که در برخی از مقاطع جناح‌هایی که مواضعشان چندان با مواضع جناح مسلط هم‌خوان و هماهنگ نبوده است هم توانسته‌اند به قدرت سیاسی دست یابند. دوره‌های مختلف انتخابات ریاست‌جمهوری و مجلس شورای اسلامی که در سال‌های پس از انقلاب برگزار گردیده است به‌خوبی این تکثر، رقابت و منازعه جناحی برای کسب قدرت سیاسی را اثبات می‌کند. نکته مهم آن است که این رقابت سیاسی در قالب انتخابات صورت گرفته و صورت مسالمت‌آمیز داشته است. به‌این ترتیب، شاهد نوعی ثبات سیاسی نسبی در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی بوده‌ایم.

نتیجه آن که تداوم حیات جناح‌های سیاسی در سال‌های پس از انقلاب حداقلی از تکثر سیاسی ایجاد نموده و این امر به نوبه خود مانع یکدست شدن قدرت سیاسی و حرکت به سمت خودکامگی کامل یک جناح سیاسی شده است و به انتخابات برگزار شده صورتی دموکراتیک داده و همچنین نوعی ثبات سیاسی ایجاد نموده و حرکت به سمت توسعه سیاسی را حداقل در برخی ابعاد تسهیل کرده است. به‌این ترتیب، می‌توان گفت، مطابق نظریه دموکراسی کثرت‌گرا، در ایران پس از انقلاب اسلامی با توجه به وجود حداقل دو جناح سیاسی در عرصه سیاسی کشور در تمامی دوره‌های این مقطع و همچنین وجود رقابت بین این دو جناح به‌خصوص در دوران انتخابات و درعین حال عدم امکان حذف کامل یک جناح از عرصه سیاست به دلیل برخورداری آن جناح از پایگاه اجتماعی، اصول بنیادین دموکراسی یعنی تکثر و رقابت سیاسی وجود داشته است و این امر از حرکت به سمت یک نظام بسته سیاسی ممانعت کرده است.



منبع: طراحی شده توسط پژوهشگران

نتیجه‌گیری

امروزه دموکراسی محبوب‌ترین نظام سیاسی در سطح جهان است. در کشورهای مختلف حاکمان می‌کوشند خود را نمایندگان واقعی مردم معرفی نموده و نهادهای سیاسی دموکراتیک را حداقل به شکل ظاهری ایجاد و حفظ نمایند. با این حال، برداشت واحدی از چیستی نظام‌های سیاسی دموکراتیک وجود ندارد. مدل‌های متنوع و مختلفی در خصوص اصول اساسی و بنیادین نظام‌های دموکراتیک ارائه شده است. یکی از این مدل‌ها مدل کثرت‌گرایی یا پلورالیسم است. در مدل کثرت‌گرایی (به‌خصوص در نسخه‌ای از این مدل که توسط رابرت دال در قالب نظام‌های پولیاریشی ارائه شده است) دو رکن اساسی نظام‌های دموکراتیک رقابت و فراگیری است. به این معنا که بایستی گروه‌های متکثر در فرآیندهای سیاسی مشارکت و رقابت داشته باشند.

با پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار نظام جمهوری اسلامی در ایران، بنیان‌گذاران نظام سیاسی جدید سعی در ایجاد پیوند بین ارزش‌های اسلامی و اصول دموکراتیک نمودند. نمونه بارز این تلاش، ایجاد گنجاندن نهادهای مبتنی بر ارزش‌های دینی در کنار نهادهای مبتنی بر اصول دموکراتیک در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است. با این حال، ساختاری سیاسی ایران در سال‌های پس از انقلاب ویژگی‌های خاصی داشته است. یکی از این ویژگی‌ها ضعف احزاب سیاسی بوده است. در ایران پس از انقلاب اسلامی، احزاب سیاسی به دلایل مختلف فاقد نهادینگی و کارآمدی لازم بوده‌اند و این موضوع یکی از ضعف‌های نظام سیاسی در این دوره محسوب می‌شود. ضعف احزاب سیاسی زمینه را برای تبدیل شدن جناح‌های سیاسی به بازیگران اصلی عرصه

سیاست در ایران فراهم نموده است. به گونه‌ای که در دوره پس از انقلاب اسلامی ما شاهد نوعی تکثرگرایی جناح محور در ساختار سیاسی ایران هستیم. این بدان معناست که در تمامی سال‌های پس از انقلاب اسلامی حداقل دو جناح سیاسی رقیب در عرصه سیاست ایران حضور داشته‌اند و به‌خصوص از طریق انتخابات با هم رقابت نموده‌اند. در واقع، منازعات بین جناحی در ایران پس‌انقلابی به جلوه اصلی سیاست مبدل شده و سیاست ایران در این دوره عرصه منازعه جناح‌های سیاسی برای کسب قدرت بوده است. تداوم تکثر جناح‌های سیاسی در این دوره ریشه در پایگاه حمایتی این جناح‌ها داشته است. در واقع، هر یک از جناح‌های سیاسی به‌واسطه مواضع و دیدگاه‌های متفاوتشان در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی توانسته‌اند حمایت بخش‌های خاصی از گروه‌ها و طبقات اجتماعی را به دست بیاورند و به همین دلیل حذف یک جناح از عرصه سیاسی به‌راحتی امکان‌پذیر نبوده است. البته این تداوم تکثر جناح‌های سیاسی همراه با فراز و نشیب‌هایی بوده است. به‌این ترتیب، در سال‌های پس از انقلاب اسلامی تکثر نیروهای سیاسی، به دلیل وجود جناح‌های سیاسی مختلف در صحنه سیاسی کشور و حفظ این تکثر به دلیل ارتباط جناح‌های سیاسی با پایگاه‌های حمایتی در سطح جامعه، حفظ شده است.

بنابراین، می‌توان گفت، علی‌رغم فراز و نشیب‌هایی که وضعیت و ساختار جناحی در ایران پس از انقلاب مختلف پشت سر گذاشته‌اند و علی‌رغم درجات متفاوتی که رقابت این جناح‌ها با یکدیگر داشته است، تداوم حضور جناح‌های سیاسی در عرصه سیاست و رقابت آن‌ها بر سر قدرت سیاسی در قالب انتخابات مختلف مانع از حذف کامل رقابت سیاسی شده و به تداوم حداقلی از تکثر سیاسی و دست‌به‌دست شدن قدرت کمک نموده و به‌این ترتیب اجازه نداده است که کشور به سمت یکدستی و دیکتاتوری سوق پیدا کند؛ بنابراین، مطابق نظریه کثرت‌گرایی دموکراتیک که بر دو اصل رقابت و تکثر تأکید دارد، تکثر جناح‌های سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی و رقابت آن‌ها در عرصه سیاسی کشور و به‌خصوص در زمینه انتخابات، به تقویت دموکراسی، توسعه سیاسی و ثبات سیاسی کمک کرده است.

فهرست منابع

Articles

- Abbaszadeh, Mohsen (2015) POSTMODERNITY AND REDEFINING THE PLURALIST DEMOCRACY; FROM POLYARCHY TO RADICAL DEMOCRACY, Politics Quarterly, Volume 46, Number 2, Pages 323-342. [In Persian]
- Abbaszadeh, Mohsen; Suri, Farzad (2016) Political Pluralism: In-between Theory and Reality Subject Areas : Research in Theoretical Politics, Theoretical Policy Research, Spring and Summer, issue. 13, vol 7, Pages 53-72. [In Persian]
- Bigler, Majid (2013) The birth of Islamic right and left: political factions and the first to fifth parliaments, Etemad newspaper number 3122 (Tuesday, December 11). [In Persian]
- Darabi, Ali (2016) New Middle Class and Political Development in Iran after the Islamic Revolution, journal of Iranian Social Development Studies, Volume 8, Number 1, Pages 7-20. [In Persian]
- Ghasemi sayani, Ali Asghar; Ravesh, Behnam; Mahmudi Raja, zakaria (2017) Sociological analysis of presidential elections in Iran (case study 2005), Contemporary Political Essays, Volume 7, issue 21, Pages 105-142. [In Persian]
- Harsij, Hossein; Hosseini, Seyyed Motahara (2009) THE "LEFT WING" ON THE FIRST DECADE AFTER ISLAMIC REVOLUTION (1979) IN IRAN, Politics Quarterly, Volume 39, issue 3, Pages 361-383. [In Persian]
- izadi, Rajab; Rezai-Panah, Amir (2014) The Social and Political Bases of Evolution in the Hegemonic Political Discourses of the Islamic Republic of Iran. Contemporary Political Essays, Volume 4, Number 10, Pages 47-74. [In Persian]
- Khorramshad, Mohammad Bagher; sarparast Sadat, Seyyed Ebrahim (2013) Political Tendency as a Method, Quarterly Journal of Interdisciplinary Studies in Humanities, Volume 5, issue 2, Pages 61-90. [In Persian]
- Malekpour, Hamid; Melabi, Massoud; Azghandi, Seyed Alireza (2018) Relationship between the Rentier state and the New Middle Class in Iran (Case Study 1376 to 2005), Islamic Revolution approach Quarterly, issue 44, volume 12, pages 79-100. [In Persian]
- Motaharnia, Mehdi (2000) left and right; From words to political reality, Zamaneh Monthly, No. 78, Page 9. [In Persian]
- Rezaei, Ahmed; Safari Doghai, Majid (2016) Pluralist Democracy in Shariati's Point of view , Research in Theoretical Politics, Theoretical Policy Research Journal, Autumn and Winter, issue. 14, vol 8, Pages 112-82. [In Persian]
- Zolfaghari, Vahid (2017) Elections, political factions and parapolitical peace in Iran; Representatives of political divisions or agents of peace?, Strategic Public Policy Studies Quarterly, Volume 10, Number 20, 1-19. [In Persian]

Books

- Akhavan Kazemi, Bahram (2009). Causes of inefficiency of political parties in Iran. Tehran: Islamic Revolution Documentation Center. [In Persian]
- Amir Arjomand, said (2009) After Khomeini: Iran under His Successors, Oxford University Press.
- Barzin, Saeed (1378) Political factionalism in Iran, Tehran, nashr-e-markaz. [In Persian]

- Bashiriyeh, Hossein (2002) An introduction to political sociology of Iran: the period of Islamic republic, Tehran, publication of Negha-e-moaasar. [In Persian]
- Bashiriyeh, Hossein (2003) Reason in Politics: 35 Essays on Political Philosophy and Sociology. Tehran, Negahe Moasser. [In Persian]
- Dahl, Robert (2017) Polyarchy: participation and opposition, translated by Ebrahim Skaffi, Tehran, Shirazeh Ketab Publishing. [In Persian]
- Ehteshami, Anoushirva, (2006), The transition from the crisis of succession, translated by Ebrahim Mottaghi, Zohreh Postinchi, Tehran, Qomes. [In Persian]
- eivazi, Mohammad Rahim (2016) Political Participation in the Islamic Republic of Iran Tehran: Islamic Revolution Documentation Center. [In Persian]
- fouzi, Yahya (2015) Political and social developments after the Islamic revolution in Iran (1979 - 2001) (Volume 1), Tehran, Imam Khomeini Institute for editing and publishing works. [In Persian]
- Ghouchani, Mohammad (2002) The Holy Republic: Sections of the History of the Islamic Republic, Tehran: Naqsh and Negar. [In Persian]
- Held, David (1384) Models of Democracy, translated by Abbas Mokhebar, Tehran, Roshangan. [In Persian]
- McLennan, Gregor (2007) Pluralism, translated by Jahangir Moini Alamdari, Tehran, Ashian. [In Persian]
- Mojtabazadeh, Ali; layali, Mohammad Ali (2016) Political Currents: A Look at Political Parties, Groups and Currents in Contemporary Iran, Qom, Maarif Publishing House. [In Persian]
- Morteji, Hojjat (2000) Political factions in Iran today, Tehran, Naqsh and Negar. [In Persian]
- Naghibzadeh, Ahmed (2008) Political party and its performance in today's societies, Tehran, Dadgostar Publishing House. [In Persian]
- Nash, Keith (2010) Contemporary Sociology, translated by Mohammad Taghi Delfrooz, Tehran, Nashre Kavir. [In Persian]
- Salahi, Malek Yahya (2007) Western political ideas in the 20th century, Tehran, Qomes. [In Persian]
- Shadlu, Abbas (2008) Information about Iran's political parties and factions today, Tehran, Gostareh. [In Persian]
- zarifiniya, Hamidreza (2008) Analysis of Iran's political factions, Tehran, Azadi Andisheh. [In Persian]

